

Social Protection of Street and Labor Children

Nasim Khodakhah¹

Abstract

Throughout history the child has been exposed to various abuses due to certain physical and mental characteristics. The specific situation of street children has caused them to be exposed to various types of abuse and harm in the community in the family environment, and they need a lot of support, including legal protection. The phenomenon of street children and work is one of the problems facing most of the major cities in the contemporary world. Children are forced to work due to their particular circumstances, and this has led to positive and negative changes in their self-reflection of their peers. The issue of addressing poverty and children and solving street children's problems is a matter that will only be solved with the cooperation of international governments, international governmental organizations and international NGOs, such as Amnesty International and Human Rights Watch, and will work closely with the rights of children's rights activists. The social status of these children is very unfavorable and street children are more likely to be subjected to sexual assaults and illnesses such as AIDS, sexual violence and forced pregnancy if they are girls.

Keywords

Social Support, Street Children, Child Labor

Please cite this article as: Khodakhah N. Social Protection of Street and Labor Children. *Child Rights J* 2019; 1(1): 71-89.

1. Ph.D. in Criminal Justice and Criminology, Tehran, Iran.

Email: n_khodakhah@yahoo.com

حمایت اجتماعی از کودکان کار و خیابان

نسیم خداخواه^۱

چکیده

در طول تاریخ همواره کودک به علت ویژگی‌های خاص جسمی و روحی در معرض سوءاستفاده‌های مختلف قرار گرفته است. وضعیت خاص کودکان خیابانی سبب شده تا آن‌ها هم در جامعه هم در محیط خانوادگی، در معرض انواع سوءاستفاده‌ها و آسیب‌ها قرار بگیرند و به انبوهی از حمایت‌ها از جمله حمایت قانونی نیازمند باشند. این پدیده کودکان خیابانی و کار، یکی از معضلات گریبان‌گیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. کودکان کار به دلیل شرایط خاص زندگی خود مجبور به کارکردن هستند و همین امر منجر به ایجاد تغییرات مثبت و منفی در خودپنداری آن‌ها نسبت به سایر همسالان خود شده است. مسأله رفع فقر و کودکان و حل مشکلات بچه‌های خیابانی موضوعی است که حقیقتاً تنها با همکاری بین‌المللی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی همچون عفو بین‌المللی و دیده‌بان حقوق بشر و همکاری مشترک و تنگاتنگ با فعالان حقوق کودک حل و فصل خواهد شد. وضعیت اجتماعی این کودکان بسیار نامطلوب است و بچه‌های خیابانی بیشتر از کودکان دیگر در معرض تجاوزهای جنسی و بیماری‌هایی همچون ایدز، خشونت‌های جنسی و در صورت دختربودن حاملگی اجباری قرار خواهند گرفت.

واژگان کلیدی

حمایت اجتماعی، کودکان خیابانی، کودکان کار

۱. پژوهشگر دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی و وکیل پایه یک دادگستری، تهران، ایران.

Email: n_khodakhah@yahoo.com

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۲/۱۵

مقدمه

در طول تاریخ استفاده از نیروی کار کودکان همواره امری معمول و متداول بوده و نوظهور نیست. کودکان از قرن‌ها پیش همواره با والدین و نزدیکان خود به کارهای مختلف از جمله کشاورزی و دامداری اشتغال داشته‌اند. یکی از معضلات جوامع در حال توسعه، پدیده کودکان کار می‌باشد. کودکان کار، خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود که برای ادامه بقای خود مجبور به کار و یا زندگی در خیابان هستند. الگوی کار و فعالیت‌های کودکان در خیابان تابعی از زمینه خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که کودکان را به خیابان می‌کشاند و همزمان به رفتارهای آن‌ها در خیابان شکل می‌دهد. اجبار کودکان به کار موجب آسیب به سلامت فیزیکی، جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی آن‌ها می‌شود. این کودکان برای تغییر در شرایط زندگی‌شان توانایی و شناخت لازم را نداشته و سلامت آنان به خطر می‌افتد. پدیده کودکان خیابانی مشکلی اجتماعی است که از دیرباز در کشورهای مختلف وجود داشته و در دهه‌های اخیر به علل گوناگون افزایش یافته است. جدا از ضرورت و اهمیت پیشگیری، ارائه مجموعه‌ای از حمایت‌ها از جمله حمایت‌های عاطفی، مالی، روانی، اجتماعی و قانونی از این کودکان ضروری است.

ب
ی
ا
ب
ی
ا
ب
ی
ا

کودکان کار و خیابان

کودکان کار یا کارگر به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- کودکان کارگر به کار تولیدی یا خدماتی مشغول هستند؛ ۲- کودکان خیابان.

یونیسف، کودکان خیابانی را به دو دسته تقسیم کرده است: نخست کودکانی که در پی درآمد برای خانواده، در خیابان کار می‌کنند و میزان ارتباط آنان با خانواده متفاوت است؛ دوم کودکانی که برای آن‌ها خیابان همچون خانه است. آن‌ها در خیابان در پی سرپناه و خوراک هستند و مردم کوچه و خیابان برای آن‌ها جای خانواده را می‌گیرند.

از نظر کارشناسان امور اجتماعی و اقتصادی، پدیده کار کودکان، علت‌های عمده و زیربنایی دارد که از آن جمله می‌توان به فقر اقتصادی، توزیع ناعادلانه درآمد و اختلافات طبقاتی بسیار در جامعه، عدم دستیابی افراد به کار و شغل نامطلوب در شرایط رونق اقتصادی، مهاجرت وسیع روستاییان به شهرها، گسترش فقر و افزایش هزینه‌های زندگی، رکود اقتصادی و بیکاری به خصوص در کشورهای صنعتی یا در حال توسعه، قوانین و مقررات ناکافی برای پیشگیری سوءاستفاده از کودکان و یا مقابله با آن و فقدان آموزش و آگاهی عمومی اشاره نمود.

کودکان خیابانی در خیابان با هدف کسب درآمد برای کمک به خانواده یا تأمین مخارج شخصی مجبور به کار برای گذراندن زندگی می‌باشند، در حالی که فاقد مهارت لازم برای گذران زندگی روزمره هستند و بسیاری از آنان برای بقا، مجبور به انجام فعالیت‌های غیر قانونی مثل گدایی، دزدی، فحشا، پورنوگرافی، قاچاق و توزیع و فروش مواد مخدر می‌باشند (۱). ورود کودکان به خیابان بیشتر معلول شرایط نامطلوب کودکان در خانواده‌های نابسامان و از هم گسیخته آزار کودک در خانواده و فرار از خانه شمرده می‌شود (۲). گاهی مجموعه‌ای از عوامل خانوادگی چون طلاق، بی‌سرپرستی و بدرفتاری با کودکان در خانواده و مشکلات اقتصادی در پدیدآمدن کودکان خیابانی مؤثر شناخته شده‌اند (۳). پدیده کودک خیابانی در بیشتر کشورهای جهان، به عنوان یک مشکل اجتماعی شناخته می‌شود و هنوز تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که با توجه به ارزش‌ها فرهنگ و شرایط مختلف کشورها این تعاریف از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند. کودکان خیابان فقط کودکان بی‌سرپرست نیستند، بلکه بالعکس، غالباً توسط والدین خود و به خاطر فقر اقتصادی برای امرار معاش، به فروش کالاهای جزئی در خیابان همچون گل، آدامس، فال حافظ، روزنامه و یا انجام کارهایی چون واکس زدن کفش، پاک کردن شیشه‌های اتومبیل‌ها به خصوص هنگام چراغ قرمز، تکدی‌گری و بعضی اوقات انجام کارهای غیر قانونی مثل قاچاق و فحشا اقدام می‌نمایند. ۹۰٪ از این‌گونه کودکان دارای خانه و خانواده هستند و در هنگام غروب به خانه خود بازمی‌گردند. کودکان خیابانی به نسبت کودکان عادی

بیشتر به اختلال‌های رشدی، سوء تغذیه، شکستگی استخوان و کیودی بدن دچار می‌شوند که همگی از مصداق‌های اختلال در کارکرد جسمانی کیفیت زندگی به شمار می‌آیند (۴). مشکلات فراوانی برای کودکان ذکر شده است. اعتماد به نفس پایین، انزوای اجتماعی، عدم درک و کنترل مشکلات محیطی از جمله این مشکلات است همچنین اختلالات اضطرابی، خلقی، جسمی و اجتماعی در کودکان کار شایع است.

کار کودکان علل مختلفی دارد و نبایستی سطحی به آن نگریست. از جمله عوامل مؤثر بر آن زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و محیط زندگی کودکان است. همچنین تصور کودک نسبت به خود تحت تأثیر درک او از خود و واکنش‌های دیگران به او قرار می‌گیرد که متأثر از متغیرهای گوناگونی نظیر سن، جنس، حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی و... می‌باشد. بنابراین علاوه بر نگاه اجتماعی و بیرونی به این کودکان باید مفهوم خودپنداری را از زاویه دید این کودکان نیز بررسی نمود که این امر نیازمند تحقیقات گسترده‌تری است. ۹۵٪ از کودکان خیابانی، پسر و سن آن‌ها بین ۵ تا ۱۸ سال است. حدود ۹۰٪ از کودکان خیابانی دارای پدر یا مادر هستند که اعضای جمعیت خانواده آن‌ها به طور میانگین ۸ نفر است. ۸۰٪ از این خانواده‌ها مهاجر که ۶۴٪ از روستاها و ۳۶٪ از کشورهای دیگر از جمله افغانستان است که ۴۲٪ از ایشان فاقد شناسنامه هستند.

کودکان خیابانی به عنوان بخشی از سرمایه انسانی هستند که سلامت جسم و روان آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در سلامت جامعه داشته باشد. طبق نظر یونیسف، کودکان خیابانی با واقعیت تلخ جدایی از خانواده و خطر از دست‌دادن امکانات اساسی همچون آموزش و بهداشت مواجه‌اند. دونالد استوارت اعتقاد دارد که فقدان یا از دست‌دادن روابط بسنده با یکی از والدین از نظر بهداشت روانی یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کودکان خیابانی است. این کودکان با مشکلات بهداشتی، بیماری، حفظ سلامت روانی، مشکلات روانشناختی و عدم پیشرفت تحصیلی مواجه‌اند (۵). در ایران ساماندهی این کودکان بر عهده سازمان بهزیستی می‌باشد. طبق آمار سازمان مذکور، تعداد کودکان کار در سال ۱۳۸۴، ۷۸۴۰۰۰ نفر بوده است. تفاوت فاحش میان آمار کودکان کار که

تحت پوشش بهزیستی قرار می‌گیرند با آمار تخمین زده شده توسط کارشناسان، نشانگر مخفی بودن تعداد قابل توجهی از این کودکان است. بر اساس یک سرشماری انجام شده در کشور ایران، حدود ۱۲٪ از جمعیت ده تا نوزده سال کشور ما فعالیت اقتصادی دارند.

مشکلات کودکان کار و خیابان

کودکان بدون حامی هستند که بیشتر روزها و شب‌ها در خیابان به سر می‌برند و به دلیل مشکلات بهداشتی ناشی از زندگی در خیابان، مستعد ابتلا به انواع بیماری‌ها نظیر سوء تغذیه، کم‌خونی، بیماری‌های گوارشی، سوءاستفاده جسمی، جنسی و بیماری‌های عفونی مانند هیپاتیت، ایدز و سل می‌باشند (۶). عوامل مؤثر در ایجاد پدیده کودکان خیابانی، شامل عوامل زیستی و روانی، عوامل خانوادگی، عوامل اقتصادی (فقر، بی‌عدالتی، بیکاری، فاصله طبقاتی زیاد در جامعه) و عوامل فرهنگی - اجتماعی (ترکیب ساختار و ازدیاد جمعیت، مهاجرت، جنگ) می‌باشد (۷). این کودکان در تمام جنبه‌های اساسی رشد مشکلاتی دارند. از نظر رشد جسمی بین ۶۰ تا ۸۴ درصد کودکان خیابانی با مشکلاتی مانند کم‌خونی، کاهش قد و وزن، گوارشی، پوست، بیماری‌های چشم و سوء تغذیه رو به رو هستند. از نظر رشد عاطفی بین ۴۰ تا ۸۹ درصد آنان از مشکلاتی مانند احساس بی‌قراری، افسردگی، ترس و ناامنی و اضطراب رنج می‌برند. از نظر رشد ذهنی بین ۱۷ تا ۵۶ درصد آنان دارای مشکلاتی مانند بی‌سوادی، مشکلات گفتاری، کمبود توجه و تمرکز و مشکلات یادگیری هستند. درصد چشمگیری از کودکان خیابانی دچار افسردگی می‌باشند.

در دسترس نبودن امکانات تحصیلی هم یکی از مهم‌ترین علل و مشکل کارکردن است. برای بسیاری از خانواده‌ها مدرسه کالایی لوکس است که قدرت تهیه آن را ندارند و حتی وقتی تحصیل رایگان است، کودکی که در مدرسه است و کار نمی‌کند، درآمدش برای خانواده از دست رفته است.

حمایت‌های کیفری و اجتماعی

۱- قوانین مرتبط ایران در خصوص کودکان کار و خیابان

۱-۱- **قانون اساسی:** هرچند قانون اساسی مقررات صحیحی پیرامون حمایت از کودکان و نوجوانان ندارد، اما حق همه افراد ملت در برخورداری از آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح تکلیف دولت در فراهم کردن وسایل آموزشی و پرورشی تا پایان دوره متوسطه برای همه ملت این توقع اجتماعی را ایجاد کرده است که فرزندان جامعه حق و تکلیف دارند تحصیلات خود را بی‌هیچ مانعی تا پایان دوره متوسطه ادامه دهند. با وجود این حق و تکلیف، اقتضا دارد که آغاز سن کار به عنوان یک سیاست اجتماعی مقارن با پایان تحصیلات متوسطه باشد، این همان سیاست اجتماعی است که مقاله‌نامه شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار پیرامون حداقل سن شروع به کار بیان داشته است (۸).

بسیار
مهم است

طلق ماده ۷۹ قانون کار مصوب آبان ماه ۱۳۶۹، به کارگماردن افراد کم‌تر از پانزده سال تمام ممنوع است و در ماده ۸۰ همان قانون به تعریف کارگر نوجوان اشاره شده است. به موجب ماده ۸۰، «کارگری که سن وی بین پانزده تا هجده سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده می‌شود و در بدو استخدام باید توسط تأمین اجتماعی مورد آزمایش پزشکی قرار بگیرد» این امر در حالی است که ماده ۲ مقاله‌نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار (ILO) مصوب ۱۹۹۹، تحت عنوان «حذف بدترین اشکال کار کودک» اصطلاح کودک را برای تمام اشخاص کم‌تر از ۱۸ سال مورد استفاده قرار می‌دهد و ایران در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲ م.) به این مقاله‌نامه ملحق شده است. لازم به ذکر است که به موجب ماده ۷۹ قانون یادشده، به کارگماردن افراد کم‌تر از ۱۵ سال ممنوع اعلام شده است و متخلفان مستوجب جزای نقدی و حبس می‌باشند. ساعات کار کودکان کارگر و نوجوان نیز به موجب ماده ۵۱ همان قانون، نیم ساعت کم‌تر از کارگران بزرگسال است و طبق ماده ۵۳، ارجاع کار در شب و اضافه کاری برای کودکان کارگر ممنوع شده است.

همچنین بر اساس ماده ۸۳ همان قانون، ارجاع کارهای سخت، زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست توسط کارگزاران نوجوان ممنوع و قابل مجازات اعلام شده است. همینطور طبق قانون مجازات اسلامی ماده ۷۱۳ «هر کس طفل یا صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد... به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده محکوم خواهد شد.» در این مورد تفاوتی نمی‌کند که مرتکب جرم، پدر یا مادر طفل یا فردی بیگانه باشد که کودک را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهد. پدر یا مادری که فرزند خود را به منظور اعمال تکدی در اختیار متکدیان قرار دهد، مطابق مواد ۴۳ و ۷۲۶ همان قانون به عنوان معاون جرم، قابل تعقیب خواهد بود. بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (نکاح قبل از بلوغ ممنوع است) تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد، لیکن در سایر موارد این عمل جرم بوده، مرتکب آن به موجب ماده ۸۶۴ قانون مجازات اسلامی (ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است، چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده است، برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد) در بسیاری از موارد عقد نکاح سرپوشی برای فروش طفل به منظور تمتع جنسی خریدار از وی می‌باشد که اغلب، فروشنده کودک نیز کسی جز پدر و مادر طفل نمی‌باشد.

۲- مهم‌ترین اسناد بین‌المللی راجع به کار کودکان و تعهدات بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران

به موجب اسناد مهم بین‌المللی جهانی همچون اعلامیه بیستم نوامبر ۱۹۵۹ حقوق کودک، برنامه عمل اجلاس جهانی سران در سال ۱۹۹۲ برای حذف کار کودکان که توسط سازمان بین‌المللی کار در شش کشور آغاز شد و تا سال ۲۰۰۰ نزدیک به صد کشور در آن شرکت نمودند و اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های غیر دولتی و مقامات دولتی، کارفرمایان و... برای تسهیل رشد و پیشرفت برنامه‌های این اجلاس باهم یک مشارکت بین‌المللی در زمینه کار کودکان اتخاذ کردند. کنوانسیون بین‌المللی حقوق

کودک مصوب بیستم نوامبر ۱۹۸۹ که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۳۷ به آن (البته با حق شرط مبهم و کلی) ملحق شده است، تمام افراد کم‌تر از ۱۸ سال را در زمره کودکان به شمار می‌آورد و بر اساس ماده سی و دوم آن حق کودک را مبنی بر (برخورداری از حمایت در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هرگونه کاری که ممکن است زیان‌بار باشد یا خللی در تحصیل کودک وارد آورد و یا به سلامتی کودک یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی و یا اجتماعی وی آسیب رساند) به رسمیت می‌شناسد. بند دوم این ماده به وظایف کشورهای عضو در این ارتباط می‌پردازد که شامل اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی، جهت تضمین اجرای این حق و سه وظیفه خاص به شرح زیر بر شمرده شده است:

۱- تعیین حداقل سن برای اشتغال به کار؛

۲- تدوین مقررات مناسب در ارتباط با ساعات و شرایط اشتغال؛

۳- تعیین مجازات‌های مناسب یا ضمانت‌های اجرایی دیگر به منظور تضمین اجرای مؤثر ماده یادشده.

فرآیندی که طی آن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک پیوسته است، از نظر موازین حقوق بین‌الملل قابل پذیرش نیست، زیرا پذیرش با حق شرط و حفظ کلی و مبهم، مانع نظارت بر اقدامات هر دولت دیگر و نهادهای بین‌المللی مرتبط می‌شود. علاوه بر این تعداد قابل توجهی از قوانین داخلی، مفاد این کنوانسیون را نقض می‌کنند. این قوانین داخلی مغایر، باید بازنگری شوند و به گونه‌ای اصلاح گردند که با کنوانسیون مذکور مطابقت داشته باشند.

همینطور باید به سند بین‌المللی مهم دیگری در این خصوص، یعنی اعلامیه بلغاست که دستاورد هفدهمین کنگره جهانی در بلغاست واقع در ایرلند شمالی می‌باشد، نیز اشاره نمود. این اعلامیه در پنج صفحه و هجده بند، با تأکید بر کنوانسیون جهانی حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن و تمرکز بر اهداف مندرج در آن‌ها، به مواردی همچون خشونت علیه کودکان، خشونت‌های خانگی، بیگاری و استثمار اقتصادی آن‌ها، تبعیض میان کودکان، بهداشت کودکان، رعایت حقوق کودکان در

مناقشات مسلحانه، قاچاق و فحشای کودکان، شهادت کودکان در دادگاه و عدالت کیفری آن‌ها، کودکان کار و خیابان و حمایت از حقوق آن‌ها تأکید می‌نماید.

حمایت‌های اجتماعی و کیفری

۱- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۱۱

خرید و فروش اطفال به مقاصد اقتصادی و جنسی در کشورهای توسعه نیافته امری تقریباً شایع است. در اغلب موارد، قانونگذاران این‌گونه کشورها حداقل از طریق وضع قانون در برابر آن واکنش نشان می‌دهند و این پدیده شوم را جرم‌انگاری می‌کنند. بر اساس ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ هرگونه خرید و فروش، بهره‌کشی و به کارگیری اطفال به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل، قاچاق جرم بوده و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به ۶ ماه تا ۱ سال زندان و یا جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد.

جدا از ضرورت و اهمیت پیشگیری، ارائه مجموعه‌ای از حمایت‌های عاطفی، مالی، روانی، اجتماعی و قانونی از این کودکان ضروری است. با این حال نباید درباره نقش و کارایی حمایت‌های قانونی مبالغه کرد و سهم حمایت‌های اجتماعی را نادیده انگاشت. بخشی از حمایت‌های قانونی از کودکان در چهره حمایت کیفری پدیدار می‌شود، اما ظرفیت حقوق کیفری برای رویارویی با نابهنجاری‌های اجتماعی از جمله پدیده کودکان خیابانی محدود است. جرم‌انگاری در هر حال آخرین چاره است و باید کاملاً دقیق و حساب شده از آن بهره گرفت. به همین ترتیب می‌توان از اهمیت انگاره‌ای از جرم‌انگاری سخن گفت که حمایت کیفری دنباله‌دار نامیده می‌شود. در این مدل در کنار پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری، دیگر ضمانت اجراها مانند ضمانت اجرای مدنی و تأمینی همچون سلب حق ولایت، قیمومت و حضانت نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا اعتقاد بر این است تکیه بر ضمانت اجرای کیفری صرف به ویژه زمانی که

یکی از والدین نسبت به کودکان مرتکب جرم می‌شوند آنان را در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌دهد (۹).

اصولاً جرائم، مخل نظم عمومی‌اند و جرم‌انگاری با هدف تأمین مصالح عمومی و دفاع از نظم صورت می‌گیرد. با این حال بسیاری از حوزه‌ها از جمله در قلمرو جرائم علیه کودکان بیشتر این رفتارها بیش و پیش از هرچیز به منافع و مصالح شخصی این کودکان آسیب می‌رساند. این امر ضرورت گذر جرم‌انگاری از صافی مصالح کودکان را ایجاب می‌نماید. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ بدون ارائه تعریفی از کودک آزاری، هرگونه آزار و اذیت کودکان که موجب ایراد صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی به کودک شود و سلامت جسمانی یا روانی وی را به خطر اندازد، جرم‌انگاری کرده است. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که با هدف اصلاح نواقص قانون حمایت از کودک سال ۱۳۸۱ تنظیم شده است، ضمن تعریف مفاهیمی چون بی‌توجهی و سهل‌انگاری، سوء رفتار، بهره‌کشی، خرید و فروش، وضعیت مخاطره‌آمیز، هرزه‌نگاری، در مواد ۱۳ تا ۱۹ هرگونه خرید و فروش، قاچاق یا انتقال اعضا و جوارح کودک و نوجوان و یا بهره‌کشی از آن‌ها و یا اجیرکردن آنان برای فحشا را جرم‌انگاری کرده است.

بازرسی

تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ برای حمایت از افراد زیر ۱۸ سال حداکثر کیفر را برای قاچاقچیان که قربانیان آنان کم‌تر از ۱۸ سال دارند، در نظر گرفته است. با آنکه گام مؤثری برای مبارزه با قاچاق برداشته شده، متأسفانه در مجموعه قوانین و مقررات کشور ما، قانونی که چنین قربانیانی را صراحتاً به چشم بزه‌دیده بنگرد وجود ندارد (۱۰). سکوت قوانین در این باره می‌تواند در عمل، برای همه قربانیان قاچاق زیان‌بار باشد.

با این‌که در بسیاری موارد برای حمایت از کودکان خیابانی باید از ابزار جرم‌انگاری بهره برد، تنها راه حمایت از این کودکان جرم‌انگاری کلیه اعمال زیان بار به آن‌ها نیست. به طور معمول، هرگاه در خصوص حمایت از بزه‌دیدگی کودکان سخن به میان می‌آید، بلافاصله حمایت کیفری از آنان در ذهن تداعی می‌شود. حال آنکه، حمایت از بزه‌دیدگی طفل با حمایت کیفری از وی ملازمه ندارد. رویکردی که از گذشته بر اذهان

تسلط دارد و همواره حمایت کیفری از کودکان خیابانی را توصیه می‌کند درست به نظر نمی‌رسد، البته برخی از اعمال، وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند و افکار عمومی به شدت خواهان پیش‌بینی کیفری سخت برای آنهاست، اما معلوم نیست این‌گونه حمایت از اطفال، یعنی جرم‌انگاری عمل و تعیین مجازات سنگین، چاره کار باشد. گاه جرم‌انگاری و مواجهه کیفری ممکن است به حال کودک زیان‌بار باشد.

در زمینه حمایت‌های اجتماعی و کیفری بند ۳ ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در خصوص حمایت حمایت از کودکان در برابر مشاغل سخت و زیان‌آور انجام امور زیر را از دولت‌ها می‌خواهد:

- اتخاذ تدابیر و اقدامات حمایتی ویژه برای کودکان و جوانان بدون هیچ‌گونه تبعیض به دلیل نسب یا علل دیگر.

- حمایت از کودکان و جوانان در برابر استثمار اقتصادی.

- ممنوعیت قانونی اشتغال اطفال در مشاغلی که به اخلاق یا سلامت آنان لطمه می‌زند.

- تعیین محدوده قانونی برای اشتغال اطفال و وضع مجازات برای کسانی که کودکان زیر سن قانونی را استخدام کرده‌اند.

همچنین برای حل معضل کودکان خیابانی راه‌کارهایی مانند آموزش اجباری همراه با حمایت‌های دولت و مردم، تأمین معاش، کاهش هزینه‌های تحصیلی و زیست‌محیطی، تشکیل سازمان‌ها و نهادهای رسمی متولی رسیدگی به وضع تربیت، اشتغال و تحصیل این کودکان و بررسی سطوح طبقات زیر خط فقر.

۱-۱- حمایت اجتماعی: در ایران سازمان‌دهی این کودکان بر عهده سازمان بهزیستی است که در کنار این سازمان، انجمن‌ها، طرح‌ها، قوانین و... در جهت حمایت از کودکان پیش‌بینی شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۱-۱- طرح سلب حضانت کودکان کار از والدین: در این طرح مقرر شده که اگر کودکی با ویژگی خاصی، سه تا چهار بار در خیابان یا به صورت غیر استاندارد مشغول

انجام کاری بوده و در مراکز بهزیستی پذیرش و نگهداری شوند و این مدت راهنمایی‌های لازم صورت گیرد، از آن والدین سلب حضانت شود و در اختیار بهزیستی قرار گیرند که مراحل نهایی این طرح در حال طی شدن است. با اجرایی شدن این طرح از سوءاستفاده از کودکان جلوگیری می‌شود و شمار کودکان کار تا حد قابل توجهی کاهش می‌یابد.

۲-۱- حمایت مالی، آموزشی و... انجمن‌های حمایت از کودکان کار و

خیابان: در اهداف و فعالیت‌های اصلی انجمن‌های حمایت از کودکان کار می‌توان به بی‌نیاز کردن کودک کار و خانواده‌اش از کار کردن کودک، ایجاد تکیه‌گاهی امن برای کودکان قربانی آسیب‌های اجتماعی، آگاه کردن افکار عمومی درباره شرایط کودکان کار و رایزنی با مراجع و مسئولین اثرگذار در زمینه تدوین و تصویب قوانین حامی کودکان اشاره کرد.

۳-۱- توانمندسازی خانواده‌های کودکان کار و خیابان: طرح دیگری که

کمیته امداد برای حمایت از کودکان کار و خیابان در نظر گرفته، توانمندسازی خانواده است، یعنی خانواده را توانمند کنند (آن‌هایی که به معنای واقعی مستحق هستند) تا آن‌هایی که واقعاً خانواده‌های از کارافتاده دارند، به کمیسیون پزشکی مراجعه کنند و تحت پوشش قرار گیرند، با توانمندسازی والدین، نیاز به کودکان کار کم‌تر شده و مسائل مرتبط با این کودکان کاهش خواهد یافت.

تعداد کودکان با درآمد بالا در قیاس با کل کودکان کار رقم قابل توجهی نیست. همین تعداد اندک خانواده‌هایی که به چنین درآمد و مصرفی عادت کرده‌اند با مکانیزم‌های اصلاحی به کمک ابزارهایی مثل دریافت رایانه هدفمند و نه یارانه فعلی در قبال تحصیل کودک قادر به کنترل هستند. تجربه‌های جهانی هم نشان می‌دهد که با ایجاد عامل انگیزشی در خانواده این رفتار قابل اصلاح و کنترل است. کشورهای توسعه‌یافته با چنین راه‌کارهایی توانسته‌اند تعداد زیادی از کودکان را به چرخه توانمندسازی برگردانند. از طرف دیگر به دلیل ماهیت کار فصلی که بسیاری از

مهاجرین کلان‌شهرهایی مانند تهران را به خود جلب می‌کنند، پدیده کودکان کار تشدید شده است. به عنوان مثال، بسیاری از کسانی که در کوره‌پزخانه‌های اطراف تهران کار می‌کنند، کودکانی هستند که به همراه خانواده‌های خود به تهران مهاجرت کرده‌اند و به همین جهت کار کودک در این شغل به شکل بسیار گسترده‌ای دیده می‌شود. پدیده کار کودکان جنبه‌های پنهان بسیار زیادی دارد و شاید به همین دلیل باشد که آمار کودکان کار بسیار کم‌تر از میزان واقعی برآورد شده است. از طرف دیگر، به دلیل آنکه بخش بزرگی از اقتصاد ایران را می‌توان ذیل عنوان اقتصاد غیر رسمی یا اقتصاد موازی در نظر گرفت، ما نمی‌توانیم برآورد دقیقی از کار کودکان در کلیت اقتصاد ایران داشته باشیم.

راه کارهای مقابله با پدیده کودکان کار و خیابان

بر اساس برآوردهای یونیسف ۲۵۰ میلیون کودک در سراسر جهان مجبور به کارند و از طرف دیگر سازمان بین‌المللی کار هم گزارش داده که ۳۴ تا ۴۷ درصد از درآمد تمامی خانوارهای فقیر در جهان وابسته به کار کودکان است. این یعنی اگر سیاست ما حذف کار کودکان باشد، بدون آنکه به سیاست‌های حمایتی مکمل بیندیشیم، عملاً نان‌آوران بخش بزرگی از فقر را حذف کرده‌ایم و باید توجه کنیم که پدیده کار کودکان، پدیده‌ای چندوجهی است. به همین جهت علاوه بر فعالیتهای نهادهای مسؤول باید آگاهی‌بخشی را به سطح خود خانواده‌ها هم کشاند، چراکه بنا بر یافته‌های پژوهش‌ها، بخش بزرگی از به کارگماردن کودکان خانواده‌های خود آن‌ها هستند. بانک جهانی از آنجا که نگاه عمدتاً اقتصادی دارد، راه حل معضل کار کودکان را برای رفع فقر و تقویت بنیان‌های اقتصادی خانوار استوار می‌کند. بانک جهانی علاوه بر این تلاش می‌کند تسهیلات و وام‌هایی در اختیار دولت‌ها قرار بدهد تا بتوانند با این پدیده مبارزه کنند. سازمان بین‌المللی کار، اما عمدتاً بر استفاده از تجربیات جهانی و اطلاع‌رسانی تأکید و به عنوان نمونه، توصیه می‌کند که سنوات تحصیل اجباری در مدارس افزایش پیدا کند.

در جایی دیگر هم می‌گوید باید نظامی از جریمه و پاداش در رابطه با نهادها و بنگاه‌ها در باب کار کودک وجود داشته باشد. سازمان بین‌المللی کار علاوه بر این معتقد است باید یک نهاد یا واحد مرکزی در دولت برای مبارزه با پدیده کار کودکان ایجاد شود و همه ارگان‌ها ذیل این نهاد فعالیت کنند.

یکی از راه‌حل‌های اساسی برای رفع این معضل هم ایجاد فرصت‌های آموزشی برای کودکانی است که از تحصیل بازمانده‌اند، البته برای کشوری که متأسفانه نظام آموزشی آن هرچه بیشتر به سمت آموزش غیر انتفاعی حرکت کرده است، این اقدام با مشکلات بسیاری رو به رو خواهد بود. اجباری کردن تحصیلات ابتدایی، البته از آنجایی که رفاه خانواده‌هایی که به کار کودکان وابسته هستند را به خطر می‌اندازد، باید با دقت و ظرافت انجام شود. کار دیگری هم که می‌توان انجام داد این است که به خانواده‌هایی که کودکان بازمانده از تحصیل خود را به مدرسه می‌فرستند، یارانه بدهیم. از طرف دیگری می‌توانیم به مدارس نواحی‌ای که با معضل بازمانده از تحصیل رو به رو هستند، بودجه‌های بیشتری اختصاص بدهیم.

بازمانده از تحصیل

برآوردها نشان می‌دهد حدود ۸۰٪ از کودکان کار و خیابان، خانواده دارند و به دلیل وجود سرپرست قانونی در خانواده، سیاست ما آموزش و مشاوره بر کودکان و خانواده‌ها خواهد بود تا دست کم بتوانیم از ساعات حضور آن‌ها در خیابان کم بکنیم.

سازمان بهزیستی بر اساس اهداف برنامه ششم توسعه پیش‌نویس سندی برای حمایت از کودکان کار و خیابان را با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد تهیه کرده است، اما این که چقدر طول می‌کشد تا این موضوع به بخش اجرایی برسد، چندان روشن نیست. دلیل این موضوع هم این است که نهادهای مختلفی در مورد موضوع کودکان کار دخیل هستند.

باتوجه به این که بخشی از کودکان کار در واقع تنها نان‌آور خانواده خود هستند، مقابله با کار کودکان چه زبانی به اقتصاد خانواده‌هایی از این دست خواهد زد، سیاست این است که خانواده‌ها را به گونه‌ای توانمند کنیم که فرد شاغل دیگری کاری را که کودکان به دوش می‌کشند، بر عهده بگیرد. بر همین اساس، به ازای هر نفر مبلغ ۵۵۰

هزار تومان به مؤسسات مردم نهاد یا خیریه‌ای که متولی آموزش و حمایت از کودکان خیابانی هستند، پرداخت می‌شود که البته رقم ناچیزی است، اما ما درصدد افزایش آن هستیم.

راه کارهای پیشنهادی با هدف بهبود وضعیت کودکان خیابانی شامل برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های کاهش آسیب و خطر، برنامه‌های درمانی خانواده، پیشگیری از بیماری‌ها، ایدز و عفونت‌های منتقله جنسی می‌باشد. ارائه خدمات مشاوره، مددکاری و حمایتی به خانواده‌های افراد بیکار و زندانی می‌تواند در راستای پیشگیری از خیابانی‌شدن مؤثر باشد. با توجه به خطر شیوع بیماری منتقله جنسی در منطقه و کشور ما و باتوجه به این نکته که بیماری‌های آمیزشی و رفتارهای پرخطر جنسی در این کودکان شایع است، توجه ویژه به آنان و درمان این کودکان در جهت پیشگیری از شیوع بیشتر بیماری می‌تواند سودمند باشد (۱۱).

راه کارهای کوتاه مدت در زمینه بهبودی وضعیت کودکان خیابانی و کار عبارتند از:
- شناسایی کودکان خیابانی و برقراری ارتباط با آنان، ایجاد سرپناه مناسب برحسب وضعیت کودکان خیابانی و خانواده‌های آنان (۱۲).

- تدوین قوانین مورد نیاز برای حمایت کودکان خیابانی، مشخص کردن سازمان مسؤوول حمایت از کودکان خیابانی، استفاده از مشارکت‌های مردمی در حمایت از کودکان خیابانی و ایجاد شبکه نظام‌مند و یکپارچه مراقبت و حمایت از کودکان خیابانی.

راه کارهای بلندمدت هم شامل:

- فرهنگ‌سازی در زمینه شیوه‌های برخورد مردم با کودکان خیابانی.
- اعمال نظارت‌های بیشتر بر نواحی حاشیه‌نشین.
- تأمین رفاهی و اجتماعی خانواده‌های محروم و نیازمند.
- به رسمیت‌شناختن کودکان خیابانی در فعالیت‌های اجتماعی.
- مشارکت‌دادن کودکان خیابانی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود.
- آموزش مهارت‌های زندگی.

- رشد برنامه‌های کنترل اجتماعی برای این کودکان.
- سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و فرهنگی در شهرهای کوچک که مانع از مهاجرت به مراکز استان‌ها می‌باشد.

نتیجه‌گیری

پدیده کودکان خیابانی، مسأله‌ای زیستی - روانی و اجتماعی است که در بسیاری از کشورها از جمله ایران به نگرانی جدی تبدیل شده است. با توجه به روند کنونی تحول‌های اجتماعی ایران، دگرگونی در ساخت و کارکرد خانواده و رونده فزاینده مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور در دهه آینده، گسترش فزاینده این پدیده در آینده امری قابل پیش‌بینی است. مطالعات نشان داده که قوانین مختلف اعم از قانون کار، مجازات اسلامی، قانون الحاق به کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار و مندرجات کافی برای حفظ کودکان و جلوگیری از بهره‌کشی کودکان را دارند. اصلی‌ترین علت کار کودکان در کشورمان مشکلات مالی برخی خانواده‌ها می‌باشد. تنها بخشی از حمایت از کودکان خیابانی در قالب جرم‌انگاری رفتارهای به شدت زیان بار دیگران به این گروه جلوه‌گر می‌شود. نباید با برجسته‌کردن نقش حقوق از حمایت‌های دیگر غفلت کرد، اما از اهمیت نقش حقوق کیفری هم نمی‌توان غفلت کرد.

References

1. Fallah F, Goudarzi H, Karimi A, Esllami G, Ahsani RR. The prevalence of Hepatitis B and Hepatitis C among street children in Tehran, Iran. *Int J Infect Dis* 2008; 12: e420. [Persian]
2. Pourkazemi S. The Study of the Situation of Street Children, Causes of Genesis and Solutions. *Journal of Eslah ve Tarbiyat* 2009; 7(78): 7-10. [Persian]
3. Vamqi M, Sajjadi H, Rafiei H, Rashidian A. A systematic review of street children in a recent decade of Iran. *Social Welfare Quarterly* 2009; 9(35). [Persian]
4. Talepasand S. Comparison of quality of life in normal and abused children. *SJS* 2014; 21(109): 52-62. [Persian]
5. Salahi A. Study of Cognitive, Social and Behavioral Characteristics of Street Children of Tehran, Summary of Articles of the First National Congress of Social problems In Iran. Tehran: Agah Pub; 2000. [Persian]
6. Kayembe PK, Mapatano MA, Fatuma AB, Nyandwe JK, Mayala GM, Kokolomami JI, et al. Knowledge of HIV, sexual behavior and correlates of risky sex among street children in Kinshasa, Democratic Republic of Congo. *East Afr J Public Health* 2008; 5(3): 186-192.
7. West A. At the margins: street children in Asia and pacific region. 2003. p.31.
8. Hashimi SM. Human Rights and Basic Freedoms. 1st ed. Tehran: Mizan; 2005. [Persian]
9. Zeynali AH. Globalization of Criminal Law in the Sphere of Child Protection against Victimization. 1st ed. Tehran: Mizan; 2016. [Persian]
10. Nobohar R. Trafficking women for prostitution in terms of Islamic teachings, looking at international rules and Iranian law. *Journal of Madarrese Oloome Ensani* 2006; 3(10): 187-220. [Persian]

11. Ahmad KH, Turkman Nejad S, Hussaini Moghaddam M. Epidemiology of depression and sexual abuse among street children. *IJPCP* 2002; 8(1): 14-20.
12. Križ K, Skivenes M. Street-level policy goals of child welfare workers in England, Norway and the United States: An exploratory study. *Child Youth Serv Rev* 2014; 40: 71-78.